اعوذباللَه من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

 به ما می‌گویند چرا جواب نمی‌دهی وقتی تلفن می‌كنیم؟ می‌گویم تلفن اسمش همراه است، ولی همراه ما نیست! راستی این چه بازیی است؟، همراه یعنی چی؟! همراه؟! خب موبایل چه اشكالی دارد؟ هر چی اسمش هست بگویید این مسخره‌بازی‌ها چی است؟ ترمینال را برمی‌دارند می‌كنند پایانه، یك نه اولش اضافه می‌كنند چیزهای عجیب و غریبی! خب بگو ترمینال مثل آدم، هلی‌كوپتر را برمی‌دارند می‌كنند چرخ‌بال، بالگرد اینها را كی درست می‌كند؟ اینها از كجا درمی‌آید؟ این زیرخاكی‌ها از كجا درمی‌آید؟ خب همان هلی‌كوپتر را مثل آدم بگو دیگر این مسخره‌بازی‌ها دیگر چی چی است؟ بله مرحوم مطهری هم ایشان خیلی مخالف بود همان زمان شاه، البته زمان شاه وضع اینطور نبود، اینها به این نحوه نبود، افرادی مخالف بودند از جمله افرادی كه آن زمان خیلی مخالفت می‌كرد آن مرحوم محیط طباطبائی بود كه خیلی با این قضیه مخالف بود در مقابل یك طیفی ... كه از جمله افرادی كه خیلی مخالف بود یك شخصی بنام مرحوم عبدالحمید بدیع‌الزمانی بود و اهل كردستان بود و در عربیت هم بسیار قوی بود و آنقدر قوی بود كه بسیاری از افراد برای اشكالات اشعار عرب به او مراجعه می‌كردند البته من بعضی اشكالات را در صحبت‌هایش از نظر بَلاغی دیدم، ولی ایشان از آدم‌های خیلی مخالف بود نسبت به این قضیه، بله از جمله افرادی كه مخالف بودند سیدجعفر شهیدی بود ایشان هم جزء مخالفین مساله بود و مدتی مسئول موسسه دهخدا بود، منتهی در همان زمان خب افرادی بودند كه در این مساله ... خب روال حكومت شاه بر عربی‌زدائی بود و در این مساله، پورداود و آریان‌پور كه فرهنگ آریان‌پور هم دارد ایشان هم جزء و افكار خلاف داشت، پورداود هم اصلا می‌گفتند كه مسلمانی است كه از زرتشتی‌ها زرتشتی‌تر است، سعید نفیسی بود جزء افرادی بود كه قائل بر عربی زدائی بود و فروزان‌فر بود، ولی ملك‌الشعرای بهار جزو آنها نبود. ارباب كیخسرو بود كه الان در تهران حتی یك خیابان و كوچه هم در لاله‌زار به اسمش است هنوز تغییر ندادند ایشان از آن زرتشتی‌های خیلی دوآتشه بود كه خیلی در تغییر تاریخ به تاریخ شمسی از هجری به شمسی و از شمسی به اردیبهشت و خرداد ... این ارباب كیخسرو خیلی فعال بود و یادم هست كه، یعنی پدرمان نقل می‌كردند كه بعد مورد غضب رضاشاه قرار گرفت همین ارباب كیسخرو جمشیدی مورد غضب قرار گرفت و در زندان انداخت و بعد هم در زندان مسمومش كرد، شبی كه مُرد پدربزرگ ما شیرینی گرفته بوده و آورده بوده منزل.

 خیلی باعث تأسف است كه چطور ما آن صلابت را نداریم در نوشته هایمان مثلا مرحوم مطهری به سعید نفیسی یا فروزان‌فر كه می‌رسد می‌گوید مرحوم سعیدنفیسی در حالتی كه اینها از آن پایه‌گذاران ضداسلام بودند در دانشگاه، یكی فروزان‌فر، چند تا بودند، اینها اكثرشان هم فراماسونری بودند آن رئیسشان محمدعلی فروغی بود، كه یك كتابی هم دارد بنام تاریخ حكمت در اروپا ولی برداشته ترجمه آن آقای مازندرانی را به اسم خودش كرده، مال بوعلی را، مال خودش نیست، خودش اینقدر سواد نداشته كه این كارها را بكند.

 محمدعلی فروغی بود وبدیع‌الزمان فروزان‌فر بود كه مرحوم آقا از او تعبیر به حرام‌زاده می‌آوردند و بعد عجیب اینجاست كه ما می‌بینیم مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی از این افراد به مدح و تحسین یاد می‌كند در همین كتاب معروفش اعیان الشیعه و از این بدیع‌الزمان، اینها رفته بودند چندنفر نجف ـ این از جمله مواردی كه مرحوم حاج آقا بزرگ اشتباه كرد یكی این قضیه اینها بود و در بعضی از انساب هم ایشان اشتباه كرده با اینكه بسیار مرد متضلّعی و متتبعی بود ولی در اینجا اشتباه كرد ـ و اینها رفتند در آنجا و با صحبت و مدح وثنا و خنده خلاصه رگ خواب ایشان را زده بودند، و بعد از اینكه این كتاب چاپ شده بود مرحوم آقا به مرحوم حاج آقا بزرگ گفته بودند چرا این كار را كردید؟ و ایشان خیلی متاثر شده بود و می‌گفت من به قطع از احوال آنها خبر نداشتم ...، این همه كه بشما گفتم مسئله یك تیزی و حدّتی می خواهد اینجاست.

 این مساله به این كیفیت بوده كه ایشان در این قضیه اشتباه كرد آنوقت ایشان ﴿مرحوم مطهری﴾ در كتابهایشان من می‌بینم می‌گوید مرحوم فروزان‌فر در حالی كه اینها جزء آن مخالفین صددرصد بودند و از جمله افرادی كه در این زمینه خیلی مخالف بود علی دشتی بود كه از آن حرام‌زاده‌های درجه یك بود و بعد از انقلاب هم اعدامش كردند و از جمله افرادی كه قطعا مستحق اعدام بود این علی دشتی بود و خیلی در نوشته‌هایش نسبت به پیغمبر هتاكی داشت، منتهی بسیار قلم شیرین و خیلی موذیانه‌ای داشت و در اول هم اینها معمم بودند دیگر عمامه‌هایشان را برداشتند لابد می‌خواستند بهتر به اسلام خدمت كنند!! می‌گویند وقتی عمامه‌مان را برداریم به اسلام خدمت می‌كنیم!! می‌گویند بعضی‌ها، بهتر به اسلام خدمت می‌كنیم!! بی‌خود و بی‌جهت تغییر می دهند ... خب اسم اسم است حالا اسم، اسم خارجی باشد بیاید در فرهنگ ما، خب مگر چه می شود؟ خب از اسم ما هم می رود آنجا، اسمی كه اول آنها درست كردند این چه اشكال دارد كه بیاید در فرهنگ و جزو فرهنگ بشود؟ مخصوصا در عربی، عربی كه اصلا هم از نظر حروف مثل آنها هستیم و هم از نظر برنامه عبادت و ... اصلا با آنها اشتراك داریم خب ما كه از نظر متون و اینها با آنها اشتراك داریم، قرآن ما به رسم‌الخط همین حروف‌های مشترك است، روایات ما دعاهای ما همه به حروف مشترك است، برای چه بایستی اینها حذف بشود؟ آن هم با یك چیزهایی كه من اصلا گاهی اوقات این انشاءها را نمی‌فهمم چی است!! باید بعد بنشینم فكر كنم ببینم این چه می‌خواهد بگوید بعضی‌ها انگار این را هنر می‌دانند، حوزه هم همینطور است حوزه هم الحمدلله ... اجتماع را همایش می گویند، خب زبانت را بریده اند بگویی اجتماع! خب بنویس اجتماع، تو دیگر چرا؟ حوزه دیگر چرا؟ نشریات حوزه دیگر چرا؟، همایش و گفتمان!! مثلا گفتمان چی چی است، مثل نردبان، اینها دیگر همه جدید شدند،

 بله متاسفانه این دست است، این نیست كه همین طوری باشد، این دست است و آنهایی كه اینها را می‌نویسند و اداره می‌كنند، خیلی با حساب وكتاب قطعاً مساله را جلو می برند، جلسه را می‌گویند نشست!!، نشست علمی، نشستِ پژوهشی، آقایان هم كه اصلًا هیچ حالیشان نیست، خودشان هم تابع این قافله هرچی آنها بگویند اینها هم بخاطر اینكه عقب نمانند از قضیه اینها ... این مساله باعث تأسف است.

 تلمیذ: آیا دختری كه بكارتش را از دست داده می تواند ترمیم كند؟

 استاد: اگر غیراختیاری بوده خب این یك حرفی است، غیراختیاری مثل اینكه فرض بكنید در مورد صوم، در مورد صوم اگر غیراختیاری فرض بكنید نه مُكَرهاً بلكه بدون اختیار و مسلوب‌الاختیار اگر باعث ادخال طعام در حلق بشود خب روزه باطل نیست، تا اینكه یكی را بیاندازند در آب، اما در مورد اكراه اینطور نیست، ولی اگر مساله غیر از این باشد این خودش تدلیس است و این باید برود خودش یكی را پیدا كند بله یكی را پیدا كند و ولی اگر كس دیگری بخواهد بیاید و بر اساس تحصّن و تعفّف بخواهد بیاید و به خواستگاری او برود نمی‌شود چون عقد مشروط به همین تحصّن و اینهاست.

 تلمیذ: اگر بدلیل بی احتیاطی این اتفاق بیفتد مثلا در حین بازی كردن و ...؟

 استاد: نه، آن هم همین است، بالاخره آن كسی كه این كار را می‌كند احتمال اینكه این مساله انجام بشود را می دهد، بله فقط جایی كه دیگر اختیاری نباشد، گاهی اتفاق می‌افتد مثلا از جایی بیفتد یا اینكه شوكی وارد بشود ممكن است این اتفاق بیفتد.

 تلمیذ: یكی از مراجع حكم بجواز داده است!!.

 استاد: بله، عالی است!، طرف هر كار خلافی بكند و بعد هم فردایش برود ترمیم بكند و بعد هم بگوید تا به حال غیر از تو كسی را ندیده ام! لابد یك قَسَم هم زیرش بنویسند!،

 باید به آن آقای مرجع گفت اگر خودت هم بودی سراغ یك همچنین دختری می‌رفتی؟ دختری كه صدتا را دیده، حالا با این وضع و اینها خودت هم می‌روی؟ یا برای پسرت می‌روی خواستگای كنی؟! هر كی خربزه می‌خورد پای لرزش هم می‌نشیند.

 یكی از آقایان مراجع حكم فرموده‌اند كه عكس زن را دیدن با تلویزیون اشكال ندارد!! چون این موج است و موج هم كه عكس نیست!! موج موج است و اشكال ندارد!! آن شخصی كه برای من نقل كرد گفتم از قول من می‌روی به ایشان می‌گویی كه پس امشب ما ساعت ده عكس عیال حضرتعالی را بدون هیچ ساتری ... موج است دیگر!، چون همه‌اش موج است!، ساعت ده منتظر عكس عیال حضرتعالی هستیم انشاءاللَه كه مستفیض می‌فرمائید همه مقلدین خودتان را!!

 جداً كار به كجا كشیده است؟! آنهایی كه! سید مرتضی مرجع بود و بحرالعلوم و میرزای شیرازی‌ها حالا بجایش كی‌ها آمدند؟! موج است! چقدر واقعا یكی باید از عرف و عرفیات بدور باشد چقدر باید بدیهی‌ترین مساله را نداند، خب حالا اگر كسی بگوید مگر همین طوری دیدن چی است؟ خب این هم نور است این عكس نیست، این نور است، چون عكس كه قابل انتقال نیست، عرض قائم به موضوع خودش است، آن كه به انسان منتقل نمی‌شود آنی كه به ما منتقل می‌شود نور است، خب نور هم كه عكس نیست ...،

 من در یك سایتی نگاه می‌كردم یكی از این آقایان كه الان ایشان هستند، از ایشان راجع به زنی كه یك نطفه‌ای را در او قرار بدهند یعنی از یك زن و مرد بگیرند و در یك رحمی قرار بدهند و آن هم او را بارور كند همین رحم اجاره‌ای كه می‌گویند، سوال شده كه مادری این چه می‌شود؟ ایشان فتوا فرمودند كه مادر این همان كسی است كه نطفه در شكم او قرار گرفته است!!! یك دفعه می‌بینیم چطور یك همچنین چیزی می شود؟ و استدلال هم این است كه ان امهاتهم الّا الائی ولدنهن و چون اینها، اینها را زائیدند پس بنابراین این مادر او خواهد شد پس این بابایش همان است كه نطفه داده است و ننه‌اش هم همانی است كه از او درآمده این زنه هیچی به هیچی!، تو برو پی كارت!، یعنی آدم گاهی اوقات شاخ درمی‌آورد نه فقط تعجب می‌كند كیفیت استدلال شاخ را هم درمی‌آورد خب بابا مگر هرچی دربیاید كه ننه‌اش نمی‌كنند، آن در مورد آنجایی است كه دخترخوانده باشد و فلان و بحث آن چیزهاست، نه اینكه به اصطلاح اجاره‌ای و ... یعنی این خیلی عجیب است.

 تلمیذ: محرمیت ایجاد نمی شود؟

 استاد: حالا بحث محرمیت بحث دیگری است، بله، محرمیت كه حاصل می‌شود آن كه اصلا جزوش است گرچه رضاع در روایات هست اما آن ملاكی كه در مورد رضاع مطرح است كه گوشت بروید و این الان در مورد خون به طریق اولی هست، ولذا حلّیت قطعا حاصل می‌شود، منتهی بحث این است كه مادر نیست، حلیت دارد ولی مادر بهش نمی‌گویند مسائل ارث و اینها كه بر او مترتب است، این باید از او ارث ببرد او از این ارث ببرد ... و خیلی فتاوای محیرالعقول! بله وجوب نفقه، امثال ذلك اینها همه تبعات است.

 تلمیذ: فرزندخوانده هایی را كه از مراكز بهزیستی می گیرند و بزرگ می كنند می شود اسم آنها را عوض كرد چون می گویند از لحاظ عاطفی و روحی بچه صدمه می بیند؟

 استاد: حرام است، هزار راه هست كه انسان بخواهد ترمیم روحیه را بكند حالا بعدا اگر فهمید چی؟! تا ابدالاباد نمی‌فهمد؟ اگر با یك قضیه‌ای با یك جریانی متوجه شد خب مساله كه همیشه اینجور نمی‌ماند اتفاق افتاده خیلی هم اتفاق افتاده من هم خود مواردی شنیدم سه تا چهار مورد شنیدم كه یك همچنین قضیه‌ای بوده اتفاقا مورد پنجمش الان یك دختری است در فامیل ما كه این را آوردند و از آن اول، از وقتی كه زائیده شده دیگر این مادرش را ندیده نمی‌خواسته مثلا بچه‌دار بشود شش یا هفت تا بچه داشته و اینها هم بچه نداشتند به اصطلاح جایی بوده و قرآنی چیزی بوده آنها گفتند كی است كه قبول كند و اینها چون بچه نداشتند گفتند ما قبول می‌كنیم و جوری انجام دادند كه اصلا این بچه مادر را ندید یعنی وقتی زایمان شد، دیگر اصلا بطور كلی قطع علقه و اینها شد، من گفتم این شرعا خلاف است بایستی كه مشخص بشود خلاف شرع است اگر اینطور باشد، نسب باید مشخص باشد، حرام است كه نسب این حذف بشود، و به عنوان دختری آوردند و بزرگش هم كردند اتفاقا دختر خوب و بچه خوبی است الان هم هفت یا هشت ساله است و این كار را كه كردند خدا بهشان بچه داد درحالی كه اطباء گفته بودند كه محال است كه این شوهر ـ اشكال از شوهر بوده ـ این شوهر بچه‌دار شود این محال است خب یك دفعه خدا داد الان این دوتا با هم بازی می‌كنند. حتی برایشان شناسنامه گرفتند البته من گفتم این اشكال دارد شرعا ولی آنها هم همینطوری كه شما می‌فرمائید رفتند سوال كردند و گفتند كه نه و ... یعنی كار را كرده بودند، خیلی وقت پیش بود و من خودم شنیدم كه این بعضی از اینها در سن بالا یك دفعه با یك اتفاقی با یك تصادفی با یك دست‌خطی یك دفعه یك جایی، مساله‌ای، چیزی، این قضیه یك دفعه رو می‌شود خب چرا اینكه انسان از اول این كار را نكند، باید كم‌كم به یك نحوی وقتی بزرگ می‌شود این را متوجهش بكند و بعد با آن پدرش، پدر حقیقی و مادر حقیقی‌اش باید ارتباط برقرار كند شرعا باید ارتباط داشته باشد مگر حالا خودش نخواهد.